رشد ناشی از نقدینگی پایدار نیست

شجاع الدینی، محمد رضا

از اطلاعات موجود درباره بازار چنین استنباط می‏شود که بیشتر رشته‏ها به لحاظ حجم معاملات‏ دچار رکود هستند،گرچه این امر به معنای رشد منفی‏ صنعت نیست،زیرا برخی صنایع با وجود آنکه قادر نیستند محصولات خود را تا مدتی به فروش‏ برسانند،اما به تولید خود ادامه می‏دهند.نمونه بارز این صنایع،خودرو سازها هستند.در واقع‏ خودرو سازی ایران اساسا نمی‏توان تولیدات خود را کاهش دهد،زیرا این صنعت به جریان افتاده،باید به هر شکل حفظ شود و به تولید ادامه دهد.

در مورد صنایع دیگر نیز همچون سیمان،فولاد، پتروشیمی و...وضع به همین گونه است.در این‏ میان صنایع کوچک و متوسط بیشتر مشکل دارند. یکی از مشکلات عمده این صنایع به ویژه در رابطه‏ با واردات است،چرا که واردات فزاینده،در نتیجه‏ ثبات نسبی نرخ ارز در شرایط تورم داخلی،به شدت‏ به آن‏ها آسیب می‏رساند.

آمار و ارقام،تولید ناخالص داخلی را در سال 1384 حدود 5/5 درصد نشان می‏دهد.البته سال 1384 به‏ دلیل برگزاری انتخابات سال مناسبی برای ارزیابی‏ اقتصاد کشور نیست.در واقع فضای انتخاباتی کشور (1)-بدهی خارجی بدون احتساب بهره

روشن است که منابع بانک‏ها برای اعطای این حجم از تسهیلات ناکافی است.این‏ فشارها طبعا به بانک مرکزی‏ منتقل و بانک‏ها خواستار آن‏ می‏شوند که بانک مرکزی برای‏ آن‏ها منبع تامین کند

سبب شد که تا حدود زیادی رکود بر فعالیت‏های‏ اقتصادی کشور حاکم شود.به هر روی به نظر می‏رسد که با وجود برنامه‏های دولت برای ایجاد اشتغال امسال هم میزان رشد کم و بیش در همین‏ سطح باقی بماند.

آنچه در میان شاخص‏های اقتصادی نگران کننده‏ است،موضوع قیمت‏هاست.اردیبهشت سال‏ گذشته شاخص قیمت‏ها نسبت به فروردین 3/1 درصد افت کرد.مضافا اینکه قیمت‏ها در خرداد نسبت به اردیبهشت نیز تقریبا بدون تغییر ماند.(البته‏ فروردین پارسال نسبت به اسفند 83 رشد خیلی‏ زیادی به میزان 8/3 درصد داشت.)ولی امسال‏ شاخص هزینه زندگی در اردیبهشت ماه نسبت به‏ فروردین حدود یک درصد رشد داشت،ضمن اینکه‏ این افزایش سریع قیمت‏ها در خرداد ماه نیز ادامه یافت‏ و نسبت به اردیبهشت به 64/1 درصد رسید.طبعا چنین وضعیتی نگران کننده است.

البته وقوع چنین روندی دور از انتظار نبود.در واقع‏ این نگرانی وجود داشت که اثرات رشد نقدینگی بیش‏ از 30 درصد،آن هم در سه،چهار سال متوالی در جایی نمایان شود و شاهد تورم بالا در سال جاری‏ باشیم.

بحث دیگر در مورد بانک‏ها و دشواری‏هایی است‏ که در نتیجه فشار اعطای تسهیلات با آن مواجهند.

روشن است که منابع بانک‏ها برای اعطای این حجم‏ از تسهیلات ناکافی است.این فشارها طبعا به بانک‏ مرکزی منتقل و بانک‏ها خواستار آن می‏شوند که‏ بانک مرکزی برای آن‏ها منبع تامین کند.در صورت‏ ادامه این روند حتی احتمال وضع قانون در این زمینه‏ وجود دارد؛امری که موجب افزایش پایه پولی و در پی آن افزایش بیش از پیش نقدینگی خواهد شد. به نظر من گرچه پمپاژ نقدینگی در مرحله اول‏ سبب رونق اقتصادی می‏شود،ولی در سال‏های‏ آینده بر دشواری‏های کشور خواهد افزود چرا که‏ این رشد اقتصادی به معنی رشد اقتصادی پایدار نیست.